

سَمِ اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ

~~۸۷/۱۱۰۲۰۷۳~~  
۸۷/۱۰۱۲۴



دانشکده معماری و شهرسازی

## موزه و مرکز مطالعات معماری تهران

موزه و مرکز مطالعات معماری تهران

۵۱ - ۸۰۱ ۱۳۸۷

استاد راهنما: دکتر حمید ندیمی

دانشجو: آزاده خرمی

۱۳۸۵

۹۴۷۹۱

تقدیم به :

**پدر و مادرم**

به پاس همه محبت هایشان

ضمن سپاس و تشکر از جناب آقای دکتر حمید ندیمی، استاد راهنما، بخاطر راهنمایی ها، حمایت های بی دریغ و سعه صدرشان از اساتید، صاحب نظران و همه دوستانی که مرا در تهیه این رساله یاری کردند، قدردانی می نمایم.

تشکر می کنم از جناب آقای مهندس رزمگاه بخاطر راهنمایی هایشان در بخش سازه و تاسیسات، از سرکار خانم دکتر منصوره طاهباز در بخش اقلیم و تهویه طبیعی ساختمان و از سرکار خانم دکتر نسرين فقيه و جناب آقای مهندس بیژن شافعی در بخش معماری تهران و تبیین موزه معماری.

همچنین از مادر، پدر، همسر، خواهر و دوستان عزیزم زهرا پرهیزکار، سروه نقشبندی، اعظم ذاکری، لیدا فلاح برای همه کمک ها و راهنمایی هایشان سپاسگزارم.

## فصل اول: شناخت موضوع، معماری تهران

۴	۱.۱. تاریخ تهران از گذشته های دور، تهران عتیق
۴	۱.۱.۱. تهران قبل از تهران، ما قبل تاریخ
۶	۲.۱.۱. تهران، شکل گیری هویت
۷	۳.۱.۱. نخستین توصیفهای مربوط به تهران، باغ غارنشینها
۹	۴.۱.۱. تهران در عصر آخرین ایلخانان مغول و در زمان تیموریان
۱۰	۵.۱.۱. تهران در عصر نخستین سلاطین صفوی
۱۲	۲.۱. تهران درون حصار، تهران قدیم
۱۲	۲.۲.۱. کریم خان زند و آقامحمدخان قاجار- پایتخت شدن قریه تهران
۱۳	۳.۲.۱. تهران در عصر فتحعلی شاه و محمد شاه
۱۶	۴.۲.۱. تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار
۲۷	۳.۱. تهران در دوره پهلوی
۲۷	۱.۳.۱. تهران در زمان رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش)
۳۲	۲.۳.۱. تهران در عهد محمدرضا پهلوی
۴۰	۴.۱. تهران معاصر

## فصل دوم: مفهوم موزه

۴۴	۱.۲. موزه از سرآغاز تا امروز
۴۵	۱.۱.۲. تبارشناسی واژه موزه
۴۶	۲.۱.۲. تاریخچه شکل گیری موزهها
۴۸	۳.۱.۲. نگاهی به تاریخچه موزه در ایران
۵۰	۴.۱.۲. روند و سیر تحول موزهها
۵۲	۲.۲. نهاد موزه
۵۲	۱.۲.۲. تعریف موزه
۵۳	۲.۲.۲. دسته بندی انواع موزه
۵۶	۳.۲.۲. عملکردها و اهداف موزه
۶۰	۴.۲.۲. فنون نمایش
۶۵	۳.۲. معماری موزه
۶۵	۱.۳.۲. سیر تحول معماری موزه از رنسانس تا دوران معاصر
۶۷	۲.۳.۲. ویژگی های کالبدی بنای موزه
۷۵	۳.۳.۲. شرایط محیطی
۷۸	۴.۳.۲. فضاهای شکل دهنده موزه
۸۳	۵.۳.۲. سایر ملاحظات

۸۶	.....	۲. ۴. موزه معماری
۸۸	.....	۱. ۴. ۲. کنفدراسیون بین‌المللی موزه‌های معماری
۸۹	.....	۲. ۴. ۲. تاریخچه پیدایش و سیر تحول موزه‌های معماری
۹۸	.....	۳. ۴. ۲. روشهای ارائه معماری
۱۰۱	.....	۴. ۴. ۲. اهداف موزه‌های معماری
۱۰۸	.....	۵. ۴. ۲. آموزش عام معماری
۱۱۰	.....	۲. ۵. بررسی مصادیق مشابه
۱۱۲	.....	۱. ۵. ۲. عمارت آرستال، پاریس
۱۱۷	.....	۲. ۵. ۲. معرفی مرکز معماری کانادا
۱۳۱	.....	۳. ۵. ۲. موسسه معماری هلند (NAI)
۱۳۸	.....	۴. ۵. ۲. موزه یهود برلین
۱۴۲	.....	۵. ۵. ۲. موزه بزرگ مصر

### فصل سوم: موزه و مرکز مطالعات معماری شهر تهران

۱۴۸	.....	۱. ۳. تبیین موزه و مرکز مطالعات معماری شهر تهران
۱۴۸	.....	۱. ۱. ۳. هدف
۱۴۹	.....	۲. ۱. ۳. عملکرد
۱۴۹	.....	۳. ۱. ۳. روش موزه و مرکز مطالعات معماری تهران
۱۵۱	.....	۴. ۱. ۳. مخاطب
۱۵۴	.....	۲. ۳. برنامه محتوایی موزه و مرکز مطالعات معماری تهران
۱۵۴	.....	۱. ۲. ۳. ارائه (نمایش و اطلاع رسانی)
۱۵۹	.....	۲. ۲. ۳. گردآوری و پژوهش
۱۶۱	.....	۳. ۲. ۳. نگهداری
۱۶۳	.....	۳. ۳. برنامه‌ریزی فیزیکی
۱۶۶	.....	۱. ۲. ۳. عرصه ارائه (نمایش و اطلاع رسانی)
۱۷۸	.....	۲. ۳. ۳. عرصه گردآوری (پژوهش، برنامه‌ریزی و مدیریت)
۱۸۱	.....	۳. ۳. ۳. عرصه نگهداری، ساخت و پشتیبانی
۱۸۳	.....	۴. ۳. ۳. عرصه فعالیت‌های تفریحی و خدمات رفاهی عمومی
۱۸۶	.....	۵. ۲. ۳. بازنگری
۱۸۸	.....	۴. ۳. شناخت بستر طرح
۱۸۸	.....	۱. ۴. ۳. مکان یابی و انتخاب سایت
۱۸۹	.....	۲. ۴. ۳. شناخت باغ و عمارت عین‌الدوله
۱۹۵	.....	۳. ۴. ۳. شناخت عوامل موثر بر بستر طرح
۱۹۹	.....	۴. ۴. ۳. ویژگی‌های اقلیمی

فصل چهارم: طراحی

۱.۴. احکام انشایی

۲.۴. روند طراحی

۳.۴. معرفی طرح نهایی

تهران پایتخت کشور پهناور ایران است. کشوری کهن با فرهنگی هفت هزار ساله، نام ایران بی‌تردید با گذشته تاریخی و باستانی‌اش و تمدن و فرهنگ غنی‌اش برای جهانیان آشناست. هر چند که پایتخت این کشور پهناور در کنار شهر باستانی «ری» قرار دارد، ولی این شهر با هویتی مستقل از «ری باستان» و با تاریخی دویست ساله شکل گرفته و با جمعیتی کثیر در شرایط کنونی، یکی از مادر شهرهای جاده ابریشم است. تهران پلی است بین قاهره، بمبئی و پکن. شهری بزرگ با بنیانی پرشور. در نگاه اول و برای اولین مخاطبان شهر، تهران، سیمایی آشفته در بخش‌های ساکن و متحرک دارد و با رنگ خاکستری یکنواخت و کسل‌کننده‌ای فضا و چهره شهر را آغشته نموده است.

اما تهران همواره دارای چهره‌ای خاکستری و آشفته نبوده است. چهره و سیمای شهر تهران به عنوان پایتخت در وهله اول پس از تحولات اواسط دوره قاجاریه که خود بی‌تأثیر از انقلاب صنعتی و معماری و شهرسازی قرن نوزدهم اروپا نبود. آشکار شد، شهری با دوازده دروازه و ارگی در میان، همراه باغ‌ها، پارک‌های جدید، خیابان و ماشین دودی. سیمای دروازه‌های تهران چه در برون و چه در درون حاکی از جهش و تغییر و تحولی در شهر بود. تهران قاجاری توجه روزافزون به فرنگ و تحولات آن داشت. صاحب‌منصبان، خارج‌دیدگان که کارت پستال‌های بناهای اروپایی را با خود به ارمغان می‌آوردند، با همکاری معماران تجربی، تلفیقی از معماری موجود آن زمان و عناصر و نماهای تزئینی فرنگی را در بناهای ارگ سلطنتی، کاخ‌های صاحب‌منصبان و تعداد معدودی از بناهای عمومی به کار بستند. سیمای شهر در درون، و قلعه و دروازه‌هایش در برون، تهران را هویتی جدید بخشید.

در دهه‌های آغازین قرن حاضر، که جامعه به سمت نوعی هویت یابی پیش می‌رفت و بخش عمده‌ای از آن براساس نگاه به گذشته باستانی و پرشکوه ایران برای آینده‌ای نو بود، تغییرات عمده در بنیان پایتخت قاجاری پدید آورد. تهران چهره یک شهر بزرگ را به خود گرفت. بلوارها، خیابان‌ها، پارک‌ها و موسسات تمدنی جدید با ظاهری نمادین، چهره یک شهر مدرن و در حال تحول را نشان می‌داد. با بررسی و شناخت عمیق‌تر نسبت به شهر و معماری این زمان و سه دهه آغاز قرن و با تجسم محدوده محیطی شهر در این دوره در می‌یابیم که سیمای شهر در این برهه تاریخی، ضمن هماهنگی عمومی، خاطره‌انگیز و دوست‌داشتنی است. شاید ایده کلی این منظر جدید را بتوان ارتقای شرایط زیستی-شهری و تعالی بخشیدن بر فرهنگ و افکار جامعه نامید. هر چند که این ایده‌ها در تبادل با سرزمین‌های دیگر شکل گرفته باشد، اما در نهایت با هماهنگی عمومی تحولات و فرهنگ آن روز جامعه، سیمای پایتخت از ترکیب مناسبی برخوردار شده بود و مخاطب می‌توانست نوآوری نهفته و آشکار در سیمای شهر را در جلوه‌ای مانوس با فرهنگ خود دریابد و پذیرای آن باشد.

شهر جدید همچون موجی نو بود. آرزو ساخت و سیمایی قابل قبول ارائه کرد.

اما دهه چهل زاینده تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های مختلف حیات مادی و معنوی کشور و جامعه شهری بود که آثار و پیامدهای آن به شکل‌های مختلف تاکنون نیز تداوم یافته است. دامنه این تحولات در عرصه‌های قشریندی اجتماعی آحاد جامعه، شکل‌گیری گروه‌های جدید اقتصادی، مهاجرت‌های گسترده از روستا به شهر، توسعه شتاب زده شهرنشینی، تغییر الگوهای مصرفی، دگرگونی در نظام سکنی‌گزینی و بسیاری از دیگر جنبه‌های معماری و شهرسازی کشور گسترش یافت و فضای زندگی شهروندان را به خصوص در تهران به طور گسترده و همه‌جانبه تحت تأثیر



قرار داد. توسعه فیزیکی و گسترش جغرافیایی به شدت در حاشیه و در اطراف شهر تهران ادامه یافت و در هسته مرکزی شهر و بر پیکره بناهای محدوده شهر قدیم نیز اثر گذاشت. بسیاری از بناهای با ارزش که سیما و هویت شهر تهران را نشان می‌دادند به جای مرمت و بهسازی و یا تغییر کاربری و عملکرد، تخریب شدند و با نوسازی‌های ناشیانه، سیمای دگرگون و بی‌هویتی ارائه نمودند. در دهه ۶۰ روند توسعه ناموزون شهری شتاب بیشتری گرفت. جنگ ۸ ساله و خسارات ناشی از آن، سیل مهاجرت به تهران را شدت بخشید و اثرات آن در گسترش بی‌رویه شهر و اسکان مهاجران و جابه جایی وسیع جمعیت، چهره شهر را آشفته‌تر کرد و بافت اجتماعی- فرهنگی شهر را نیز به کلی دگرگون ساخت.

امروزه سیمای شهر تهران بیش از هر عامل دیگری نمایانگر آشوب و آسفتگی است. بزرگراه‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها، احجام سرگردان بلند، تابلوهای تبلیغاتی که اجناس پرزرق و برق را وعده می‌دهند و اتومبیل‌های نو و کهنه که تهدید و نگرانی به ارمغان می‌آورند، فضایی عصبی و سیمایی مخدوش ارائه می‌نمایند. شهرنشینان جای شهروندان را اشغال کرده‌اند، محلات که زمانی هویت مکانی شهر تهران بودند و فرد عضوی از آن محله محسوب می‌شد از بین رفته و تنها شتابی بی‌هدف و سرگیجه آور در سیمای ساکن و متحرک پایتخت به چشم می‌خورد.

شهر خسته و خاکستری، به امید موجی نو و آرزویی شوق‌انگیز بست نشسته است.

هنوز دیر نیست. باید امیدوار بود. تهران هم مانند بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا که با مشکلات مشابهی دست به گریبانند، دارای امکانات و بنیانی مستعد است که در آن بتوان تغییر و تحولی نو ایجاد کرد. در نگاهی گذرا به حجم ساخت و ساز عظیمی که شهر تهران را در بر گرفته و با سیمایی بی‌هویت شهر را می‌بلعد، می‌توان چنین استنباط کرد که هنوز امکانات و منابع مالی زیادی وجود دارد. در همین شرایط نمونه‌هایی در شهر تهران یافت می‌شود که با ظرافت از این فضای آشفته بهره برده و با شناخت کافی از موقعیت و مکان موضوع برای تغییر شرایط اقدام نموده است که نه تنها لطمه‌ای به سیمای مکان خود وارد نساخته بلکه چهره فضایی آن را ارتقا بخشیده است. این نمونه‌ها همچنین امکانات لازم را برای کنش‌های اجتماعی مثبت در خود ایجاد کرده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد و آغاز تجارب چند سال اخیر که قطره‌ای است از دریا، در گام اول می‌توان امکانات و گزینه‌های زیر را برای آغاز تغییر و تحول در سیمای شهر چنین ارائه نمود:

شناخت، از منظر معماری و سیمایی و تغییر و تحولات آن در دو قرن اخیر.

ایجاد زمینه جهت تحقیق و پژوهش در ارتباط با معماری و سیمای شهر تهران و ارزیابی و تجزیه و تحلیل آن.

ایجاد سازمانی جدید با همکاری سازمان‌های ذیربط و متولی، برای تعیین برنامه و مبانی تحول در سیمای شهر با توجه به زمینه‌های موجود.

مشارکت و همکاری مردم در انجام این امر.

همچنین، آموزش اجتماعی و فرهنگی مناسب شهروندان به منظور آشنایی آنان با مشکلات روحی، فرهنگی و اقتصادی زندگی شان در شهر تهران و تعمیق حساسیت محیطی و فضایی آنان.<sup>۱</sup> موزه معماری تهران پاسخی است به این گزینه‌ها.

ایجاد موزه معماری شهر تهران می‌تواند با برقراری پیوند میان گذشته و امروز موجب ارتقاء معماری گردد. هدف از چنین مجموعه‌ای وارد شدن در مسیر "آموزش عام معماری" به عنوان اقدام مکمل "آموزش خاص معماری" است و مبنای ضروری برای توسعه فرهنگ عمومی در زمینه معماری

۱- برگرفته از مقاله بیژن شافعی، تهران، سیمایی رنجور، بنیانی

پرشور، کنگره بین‌المللی معماری، استانبول، ۲۰۰۶

است. انتخاب موزه معماری تهران به عنوان موضوع طرح و رساله حاضر مبتنی بر پس زمینه ذهنی فوق صورت گرفته است. نکاتی که در پی خواهد آمد، اشاراتی است درباره نحوه انجام طرح و تدوین رساله.

امروزه فرایند طراحی و برنامه ریزی موزه عملی مبتنی بر مشارکت چندین رشته و تخصص مختلف بوده و به صورت یک کارگروهی تعریف می شود. بدین منظور گروه هایی چون موزه شناسان معماران و جامعه شناسان و... در یک کارگروهی به این مهم می پردازند. اما فرایند برنامه ریزی و طراحی موزه شامل مراحل زیر است<sup>۲</sup>. همین مرحله بندی مبنای فصل بندی رساله نیز قرار گرفته است:

**موضوع شناسی:** در این مرحله متخصصین به ارائه تعریف دقیق و شناخت موضوع و دسته بندی آن می پردازند. شناخت موضوع که غالباً باتکیه بر نظریه یا فرضیه ای صورت می گیرد، ساختار موضوعی را شکل می دهد و ضمن سیاست گذاری موزه، مبنای برنامه ریزی محتوایی و راهبردهای طراحی موزه می باشد.

**موزه شناسی<sup>۳</sup>:** در این مرحله با مطالعه انواع موزه و ویژگی های هر کدام، انتخاب مناسب ترین رویکرد درباره موضوع موزه، مخاطب و امکانات موجود با توجه به سیاست گذاری های کلی صورت می گیرد.

**موزه نگاری<sup>۴</sup>:** مطالعات و نتایج حاصل از موزه شناسی منجر به طراحی یک سیستم می شود. در واقع در این مرحله که با کارگروهی معمار و موزه دار و متخصصین انجام می شود، برنامه ساختاری شامل دسته بندی، عملکردها و برنامه راهبردی موزه شکل می گیرد. (این مرحله نیاز به سه عمل نیازسنجی، امکان سنجی و مخاطب سنجی دارد.)

**موزه آرایشی<sup>۵</sup>:** این مرحله عبارت است از شکل دهی فضایی به موزه، بطوریکه با استفاده از برنامه فیزیکی و سیستم اداره موزه که در واقع مرتبط با تیروی انسانی است، فضاهای موزه طراحی می شوند. موزه آرایشی، طراحی و ساخت بنای موزه و آرایش گالری بخش های مختلف است. در ضمن موزه آرایشی باید تابع برنامه راهبردی موزه باشد.

همان طور که ذکر شد، مراحل عنوان شده در فرایند طراحی موزه، مبنای ساختار کلی رساله را به شرح زیر تعیین کرده اند:

**فصل اول** به شناخت موضوع (موضوع شناسی) اختصاص دارد. در این فصل معماری شهر تهران و تاریخ آن به عنوان موضوع این موزه بررسی شده است و با توجه به اینکه گستره شهر تهران مدنظر بوده. تاریخ معماری شهر تهران از ابتدا و پیدایش آن و در ادامه تحولات شهرسازی و معماری شهر مورد بررسی قرار گرفته است. قسمت اعظم تنظیم این بخش با مطالعه منابع مکتوب شکل گرفته است و در انتخاب منابع مرجع از راهنمایی محققین و پژوهشگرانی که در این زمینه فعالیت می کنند، استفاده شده است. (گروه معماری دوران تحول)

در این بخش سعی شده است مراحل تاریخی تحولات معماری و شهرسازی تهران (موضوع موزه) به صورتی قابل ارائه در موزه دسته بندی شود. این دسته بندی در بسیاری بخشها بر مبنای تغییرات حکومتی انجام گرفته که از مهمترین عوامل و زمینه های تحولات تاریخی شهر تهران محسوب می شود.

۲- نقل از رضادبیری نژاد، کارشناس موزه داری سازمان میراث فرهنگی، برگرفته از محمدزاده گیوی، سولماز، موزه ابدیت تا پایان نامه کارشناسی ارشد معماری دانشگاه شهید بهشتی

3-Museology

4-Museography

5-Museum Exhibition Design

**فصل دوم** به شناخت موزه (موزه شناسی) اختصاص یافته است. موزه به عنوان نهادی اجتماعی که بستریان موضوع است از جنبه های مفهومی، تاریخی، عملکرد و سیر تحول معماری و ویژگی های کالبدی بنای موزه مورد بررسی قرار گرفته است.

که مبنایی برای تعریف موزه معماری و تعیین اهداف آن بدست داده است. به دنبال شناخت موزه بصورت عام موزه های معماری به عنوان زیرمجموعه ای از موزه ها از لحاظ نوع اسناد و مدارک در موزه معماری، تعریف سازمانی موزه از نظر کنفدراسیون بین المللی موزه های معماری تاریخچه پیدایش و سیر تحول آنها، روشهای ارائه معماری، اهداف موزه ها و آموزش عام معماری مورد بررسی قرار گرفته اند.

بخش اول این فصل با استفاده از منابع مکتوب (کتاب مرجع و مقالات و پایان نامه های موجود) و باتوجه به کمبود منابع مکتوب موجود، در شناخت روش های نوین نمایش و رویکردهای جدید در موزه ها، عموماً از منابع اینترنتی سود جست است.

در بخش دوم این فصل با توجه به عدم وجود منابع کافی در قسمتهایی از بررسی از ترجمه منابع لاتین و بررسی موردی (Case study) موزه های معماری موجود دنیا و منابع اینترنتی استفاده شده است این بررسی ها مبنایی برای دقیق تر نمودن تعریف موزه معماری تهران و تعیین اهداف آن بدست داده و اساس تعریف موزه و مرکز مطالعات معماری تهران و برنامه محتوایی پروژه شده است.

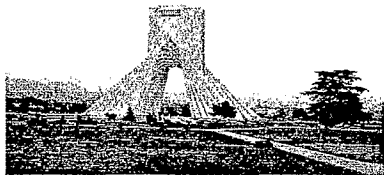
**فصل سوم** به تبیین موزه و مرکز مطالعات معماری تهران اختصاص یافته است و مسیری برای رسیدن به برنامه راهبردی موزه است و تاحلز زیادی معادل بامرحله موزه نگاری می باشد. در این بخش رسیدن از کیفیت به کمیت، پس از تعریف موزه به برنامه محتوایی و سپس برنامه فیزیکی رعایت شده است و علاوه بر مطالبی که در این دو بخش عنوان شده اند، بستر پروژه که بخشی از شرایط و امکانات موزه را تعیین می کند، در بخش آخر مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش علاوه بر مشورت با استاد راهنمای پروژه از مشورت با متولیان پروژه خانم دکتر نسرین فقیه و آقای مهندس بیژن شافعی از سوی جامعه مهندسان معمار استفاده شده است. همچنین طبق نظر شورای محترم گروه معماری بنا بر این شد تا بستر طرح نیز در طول پروژه مشخص شود. بدین منظور چند آلترناتیو مرتبط با موضوع با راهنمایی استاد پروژه مطرح و بررسی شد در نهایت محدوده باغ عمارت تاریخی عین الدوله بر اساس نظر متولیان پروژه جامعه مهندسان معمار ایران انتخاب شد.

اطلاعات بستر سایت و عمارت تاریخی با استفاده از گزارشات طرح مرمت و استحکام بخشی عمارت عین الدوله توسط شرکت توسعه فضاهای شهری شهرداری منطقه ۴، معاونت فنی و عمران بدست آمده است.

همچنین از مقایسه برنامه محتوایی و فیزیکی چندین رساله دانشگاهی (موزه نفت در ایران، موزه ابدیت و موزه اسطوره) و نکات موجود در برنامه چند موزه خارجی (مرکز معماری کانادا و موزه بزرگ مصر) استفاده شده است.

و بالاخره در **فصل چهارم** به مقوله طراحی موزه پرداخته می شود. در این فصل ابتدا احکام انشایی که برآمده از شناخت موضوع، موزه و بستر هستند معرفی می شوند. این احکام چهارچوب های کلی بخش طراحی هستند که آلترناتیوهای معرفی شده در طی روند طراحی با مقیاس آنها سنجیده خواهند شد بعد از گزارش روند جستجوی ایده طراحی و ارائه آلترناتیوهای دیگر و سرانجام پس از انتخاب آلترناتیو بهینه در نتیجه گیری، طرح نهایی به تفصیل معرفی می شود.

## فصل اول: شناخت موضوع "معماری تهران"



نمایی از میدان آزادی که به‌عنوان نماد شهری تهران شناخته شده‌است

قریب دو‌یست سال پیش، قریه‌ای مملو از چنار و باغ در شمال شهرری که در زمان شاه طهماسب اول صفوی به دور آن بارویی با چهار دروازه و ۱۱۴ برج به شمار سوره‌های قران کشیده بودند و سه امامزاده را در خود جای داده بود به پایتختی برگزیده شد. تهران پایتخت قاجار گردید و دارالخلافه نام گرفت.

برای کشوری چون ایران که یکی از دیرینه‌ترین تمدنهای جهان را دارد و به رغم گذر از فراز و نشیب‌های بی‌شمار، فرهنگ و تمدن خود را حفظ کرده است و شهرهایی به کهنسالی تاریخ پی‌افکنده است، شهری با قدمت دو‌یست ساله جوان به شمار می‌آید. جوان نسبت به یکی از کهنسال‌ترین فرهنگهای بشری که در طول تاریخ ضمن باز تولید خود بر غنای خویش افزوده است. آنچه بر شهری جوان چون تهران رفته است در برابر وقایعی که بر شهرهایی کهن چون همدان، شوش، صد دروازه، تیسفون، بخارا، هرات، ری، نیشابور، اصفهان، تبریز، شیراز، قزوین، مرو، سیراف، و ... گذشته است، کمرنگ جلوه می‌کند.

شهر تهران زمانی دیده به جهان می‌گشاید که جهان اروپایی پس از کشورگشاییهای استعماری سده‌های شانزدهم و هفدهم و هجدهم میلادی، نخستین دگرگونیها و انقلابها را تجربه می‌کند. انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، ناقوس مرگ دنیای کهن اروپایی را به صدا در می‌آورد و از تولد جهان صنعتی و سرمایه‌داری سخن می‌گوید، از تولد جهانی که از همان آغاز نه تنها به استعمار که به استثمار می‌اندیشد و پهنة زمین را عرصه تاخت و تازهایش قرار می‌دهد. جهانی که تمدنهای پیشین را متعلق به دوران پارینه فنی و ابزارسازی می‌نامد و خود را آغازگر دوران نو فنی و ماشین می‌خواند. تقارن تاریخی این مبدا زمانی جدید با پایتخت شدن تهران آن را از شهرهای کهن متمایز می‌سازد. تهران در بدو پیدایش جهان صنعتی و انقلابهای دگرگون‌ساز آن پا به عرصه وجود می‌نهد.

شهری که در آغاز بیست هزار نفر نیز جمعیت نداشت، سرانجام به کلانشهری با حدود ۱۰ میلیون جمعیت تبدیل می‌شود و این تمامی ماجراست. ماجرای که به جرئت می‌توان گفت که هیچ شهری در تاریخ کشور ما آن را تجربه نکرده است. مسائلی که با چنین رشد غول‌آسایی همراه بوده است، شهر را به نفس تنگی مبتلا کرده، هر چند با وجود آن تیز، شهر از بزرگتر شدن باز نمی‌ایستد، و این خارج از توانهای زیست محیطی منطقه تهران بوده و هست و امکانات محدود آن را یارای پاسخ گفتن بدان نیست.

تهران باید آمیزه‌ای شود از قدیم و جدید، از گذشته و آینده، از واقعیت و رویا، در آغاز قرن بیست و یکم هر چند تهران از لحاظ کمی همچنان گسترش می‌یابد، لیکن توجه به ارتقای کیفی فضای شهری و ایجاد حیات مدنی از هم اکنون در دستور کار قرار دارد.

## ○ تهران، پایتخت دو‌یست ساله

از عمر تهران، پایتخت یکی از کهن‌ترین کشورهای جهان، بیش از دو‌یست سال نمی‌گذرد. قریه مستحکمی که رئیس قبیله کوچ‌نشین فاتحی آن را در مقر قدرت هنوز لرزان خویش کرده بود، شهری بزرگ با ده میلیون جمعیت در قلب ایران کنونی شده است.

تهران در تاریخ شهرسازی ایران مقامی جداگانه دارد، زیرا تنها شهر بزرگی است که به رغم تغییر سلسله سلطنتی و نظام سیاسی همچنان پایتخت مانده است. در واقع، بنا بر سنتی مستحکم با به



میدان فردوسی



قدرت رسیدن هر سلسله سلطنتی جدید پایتخت به شهری دیگر منتقل می شد مثلاً از شوش به تیسفون، اصفهان و همدان، از شیراز به قزوین، ری، تبریز، تخت جمشید و مشهد. تقریباً همه شهرهای بزرگ ایران روزگاری پایتخت بوده‌اند. به تبعیت از همین رویه بود که قجرها پس از درهم کوبیدن زندیه، که پایتخت پادشاهان آن شیراز بود، در شهر کوچک تهران، که به سرزمین اجدادیشان نزدیک بود، مستقر شدند؛ از این زمان رسم تغییر پایتخت برافتاد، زیرا سلسله پهلوی و جمهوری اسلامی ایران، تهران را همچنان به منزله مرکز کشور حفظ کردند. دو قرن به طول انجامید تا تختگاه یک سلسله سلطنتی یا یک نظام پایتخت ایران قاجار پس از فتح اصفهان و شیراز بر ایران مسلط شد، رضاشاه می‌بایست قبایل کوچ‌نشین را به انقیاد خود در آورد تا بتواند قدرت خود را بر سرتاسر ایران بگستراند، اما جمهوری اسلامی پس از دستیابی به قدرت در تهران بود که استقرار یافت.

برای رئیس جدید ایل قاجار مفهوم تختگاه چنان مبهم بود که برای تعیین زمان استقرار پایتخت در تهران چند تاریخ ضبط شده است. غالباً روز یازدهم جمادی الاول سال ۱۲۰۰ ق. را آغاز این رویداد می‌دانند. بنابراین از دو قرن پیش، بین سالهای ۱۲۰۰ و ۱۲۱۰ ق. تاریخ معاصر شهر تهران آغاز می‌شود و با تاریخ کشور ایران به شدت گره می‌خورد.<sup>۱</sup>

ممکن است این تصور به ذهن خطور کند که شهری که توسعه آن مستقیماً به حضور حکومتها و شاهان وابسته بوده، باید مانند اصفهان، شهرسازی و معماری بسیار والایی داشته باشد، اما به هیچ وجه چنین نیست. شهرهای دیگر، وقتی پایتخت می‌شدند بی‌درنگ مورد عنایت قدرت جدید قرار می‌گرفتند. و اگر نه برای افتخار ایران، دست کم برای بزرگداشت پیروزی سلسله جدید پادشاهی بناهای معتبری در آنها ساخته می‌شد. اما تهران کم کم پایتختی واقعی شد.

در این دو قرن از شهرسازی و بناهای چشم‌افسا چیزی نصب تهران نشد، هر چند که چند تن از پادشاهان به این امر علاقه داشتند و معماران با استعدادی با جدیت تمام در این زمینه کار کردند. شمار بناهای معتبر بسیار کم است و تعدادی از ساختمانهای خوب تخریب شده‌اند. چند خیابان زیبا در این شهر یافت می‌شود؛ اما پایتخت ایران برخلاف بیشتر پایتختهای دنیا فاقد میدان یا شاهراهی است که چشم‌اندازهای وسیع شهرسازانه یا معمارانه را به نمایش بگذارد. در خصوص ویژگی‌های «شرفی» شهر هم باید گفت تقریباً در همه جا از میان رفته‌اند. خوشبختانه، منظره زیبای کوهها سبب می‌شود که شهرسازی و معماری ضعیف این شهر فراموش شود، به نظر می‌رسد که همه حکومتها از این شهر غفلت کرده یا علاقه‌ای به آن نشان نداده‌اند، شاید به این دلیل که ناگزیر بوده‌اند آن را به مثابه پایتخت حفظ کنند. گفته‌اند که تهران شهری بی‌خاطره است. در شرایطی که خداوندان شهری به نابود کردن آثار مرئی گذشته کمر می‌بندند، جز این نمی‌تواند باشد، اما به رغم همه اینها، گذشته برای کسی که بخواهد و بتواند آن را بیابد، زنده است.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد که نخستین پادشاهان قاجار تا مدت‌های مدید عادت کوچ‌نشینی خود را حفظ کرده بودند و تهران برایشان قرارگاهی موقت بوده است. پیش از سلطنت ناصرالدین‌شاه و سفر او به پایتختهای اروپایی، فرمانروایان ایران واقعاً نمی‌دانستند که یک شهر بزرگ چگونه است. رضاشاه ضمن حفظ عملکرد سیاسی تهران، سنت تعویض پایتخت یا تغییر نظام را شکست، اما با تغییر دادن بافت شهر و تخریب تمامی دروازه‌های زیبا و شمار زیادی از بناهای متعلق به قرن گذشته، در واقع به تخریب شهر قجرها پرداخت. آیا چند دهه بعد، محمدرضا شاه با ترک تهران و اقامت در شمیران و پویا کردن محلات شمالی شهر، خواسته یا ناخواسته به سنت ایرانی انتخاب پایتخت جدید پس از هر تغییر سیاسی روی نیلورد؟ جمهوری اسلامی نیز با به تعویق انداختن اجرای طرحهای بزرگی که از سوی رژیم سابق برای تجهیز تهران پیش‌بینی شده بود و با کوشش در کنترل دقیق توسعه آن به

۱ - با این همه، فکر انتخاب مجدد اصفهان به پایتختی مورد توجه رضاشاه قرار گرفته بود و در سال ۱۲۶۸ نیز مقامات جمهوری اسلامی انتقال پایتخت اداری ایران را به شهری کوچک عنوان کردند. آنها شهرهای ساوه یا سمنان را بدین منظور در نظر گرفته بودند.

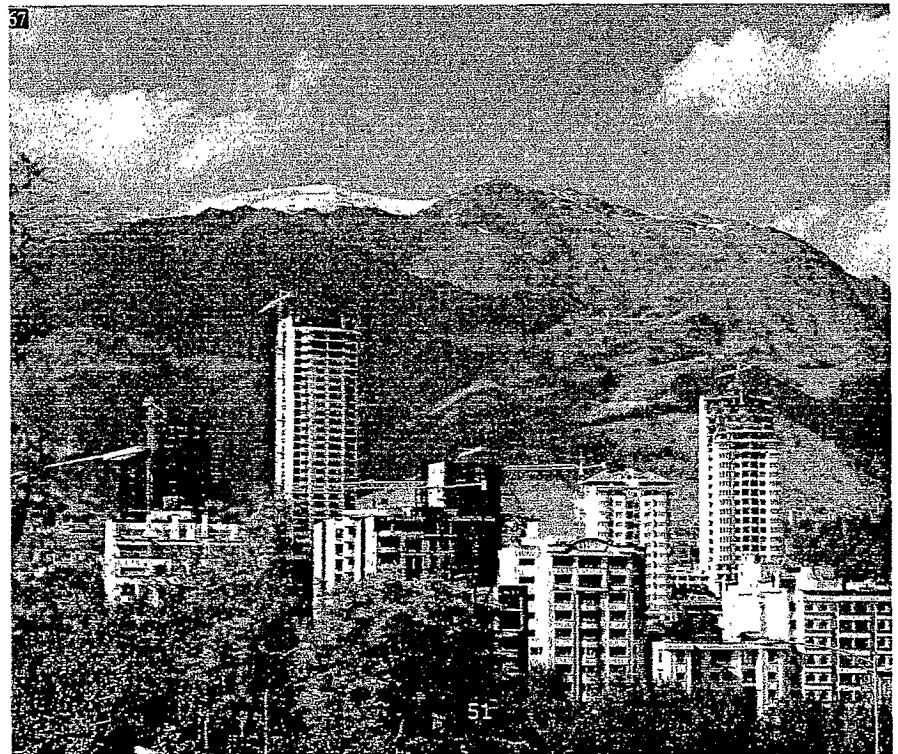
۲ - بنابراین، تاریخ تهران و ایران مدرن مانند تاریخ معاصر فرانسه از دویست سال پیش آغاز می‌شود. همزمانی این دو رویداد موجب شد که در ژوئن ۱۹۸۹ نشست بین‌المللی در پاریس از سوی مرکز ملی پژوهشهای علمی (واحد پژوهشی علوم اجتماعی جهان ایرانی معاصر) و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران با همکاری موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (تهران) برگزار گردد. موضوع مورد بحث عبارت بود از «نقش دولت در رشد تهران». اینکار «دویستمین سال پایتختی تهران» به موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (بخش علوم اجتماعی) و مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه (واحد پژوهشی علوم اجتماعی جهان ایرانی معاصر) تعلق دارد.

۳ - به نظر می‌رسد که این سنت، هر چند خیلی دیر، دارد از بین می‌رود. از چند سال پیش توجه به تاریخ ایران و به ویژه تهران قرن نوزدهم زنده شده و بسیاری از آرشيوها، اسناد و خاطرات از تاریخی بیرون کشیده شده و اغلب انتشار می‌یابند.

شهرهای دیگر عنایت کرد و کوشید با پایتخت شاهان پهلوی قطع رابطه کند.

امروزه تهران در درجه اول و قبل از هر چیز، یک شهر بسیار بزرگ است تا پایتخت. این شهر دیگر تنها متعلق به حکومت کنندگان نیست بلکه به ساکنان خود که از تمام استانهای کشور بدان رو آورده‌اند تعلق دارد: از این پس، شهر و حومه‌های آن، پویایی و استقلال خاص خود را خواهند داشت. آنچه تهران را پایتخت کرده انبوه جمعیت، پویایی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی آن است و نه حضور دولت در آن. شهر دیگر فقط به دولت وابسته نیست، بلکه به پویایی خاص خود، فعالیت ساکنانش و با یافتن جایگاهی برای حومه‌های وسیعی که از چندسال پیش بیست منطقه شهر را احاطه کرده‌اند، به سازماندهی درونی خود وابسته است.<sup>۴</sup>

تهران بزرگ آینده تمام نمای ایران است. طی دو قرنی که از تحکیم اقتدار دولت، تمرکز فعالیتها و مراکز تصمیم‌گیری می‌گذرد، پایتخت ایران آن قدر قدرت، ثروت و خدمات در خود گرد آورده که بقیه کشور در مقایسه با آن بسیار ضعیف می‌نماید. بدیهی است ایران به تهران محدود نمی‌شود، اما تاریخ توسعه کشور و پایتخت آن، از این پس به صورتی تنگاتنگ به هم وابسته اند. آنچه در ادامه در پیش رو دارید تاریخ شهر تهران را از گذشته‌های دور تا به امروز بازگو می‌کند.<sup>۵</sup>



ساخت و سازهای جدید در شمال تهران

۴- عدل، شهريار، اورگاد، برنارد، تهران پایتخت دویست ساله، مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران شناسی فرانسه، ۱۳۷۵.  
 ۵- با بررسی کتب و مقالاتی که در آنها به معماری و شهرسازی تهران و تحولات شهری و معماری آن اشاره شده است، مجموعه مقالاتی که در پی برگزاری همایش بین‌المللی به مناسبت دویست سالگی پایتختی تهران همزمان با دویست ساله شدن انقلاب کبیر فرانسه در تابستان سال ۱۷۸۹- توسط مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه به اتفاق انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران- به زبان فرانسه منتشر یافته و به اهتمام انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران و سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، به فارسی ترجمه و چاپ شده است- از آنجائیکه دیدگاههای نویسندگان این مقالات برپایه پژوهشهای گسترده و تأملات عمیق در اسناد و مدارک بسیاری صورت گرفته است- به عنوان پایه اصلی شکل‌گیری و چارچوب اصلی و تقسیمات درونی این بخش قرار گرفت. دیگر منابع بررسی شده در کتابشناسی منابع و مواخذ در انتهای رساله آمده است.  
 منبع نقشه‌های این بخش کتاب اطلس کلانشهر تهران، محسن حبیبی، برنارد اورگاد، تهران، مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران می‌باشد.

## ۱-۱- تاریخ تهران از گذشته های دور، تهران عتیق<sup>۱</sup>



دماوند

تهران امروز، این بافت شهری بی روح، این پاره های بد شکل و نامتناسب آجر، سیمان و آسفالت، کابوسی است که برای خیالپردازیهایی شگفت انگیز جایی نمی گذارد؛ اما تهران در گذشته های دور بر خلاف تهران کنونی فرشی بود سبز قام از باغها و بستانهای نفوذناپذیر که ماوای ساکنان غریبش در میان آنها پنهان شده بود. فهم این هزار توی سبز و خرم چندان ساده نبود؛ از این رو، کسانی که در پیچ و خم آن گام می نهادند چه بسا، راه گم می کردند. آنان می پنداشتند که با شهری چون شهرهای دیگر سر و کار دارند و نمی دانستند که تهران استثنایی است نسبتاً منحصر به فرد، باغی است پهناور که خانه های زیرزمینی و کوچه باغهای پریچ و خم را در دل خود نهان کرده است و نه توده ای از بناهای گوناگون مزین به فضاهای سبز و محورهای ارتباطی.

تهران بی گذشته نیست<sup>۲</sup>، اما حکومت های پی در پی ایران که در آن استقرار یافته اند، مانند ساکنان آن، از روی نادانی، به دلایل سیاسی یا مالی در امحای شواهد بصری پیشینیان چنان سرسختی ورزیده اند که شهر بر اثر آن از هر خاطره ای بری شده است. اکنون دیگر این شهر شبیه همان انسانهای ریشه کن شده بی خاطره ای شده است که در آن سکونت دارند. تهران در این گذشته با ری که روزی جزو آن بوده است شریک است. تهران از نظر زمانی ادامه ری و از لحاظ مکانی بخشی از آن است. مرکز این دو شهر، که در گذشته حدود یک فرسنگ فاصله داشتند، امروزه به هم پیوسته است. تهران که دویست سال است پایتخت شده، اکنون کلانشهری است که جایگزین ری، این شهر باستانی شده است.

## ۱-۱-۱- تهران قبل از تهران، ما قبل تاریخ

آثاری که در قلب تهران قدیم بر وجود ساکنان نخستین آن در اعصار ما قبل تاریخ شهادت دهند، به فرض وجود، بر اثر توسعه شهر از میان رفته است. تا چند دهه پیش هیچ کس برای این آثار اهمیتی قایل نبود. به تازگی که بر حسب اتفاق نشانه هایی از وجودشان پیدا شد، قبل از آنکه خبرش به گوش مقامات صلاحیتدار برسد آنها را شتابان از میان بردند. حتی اقدامات مسئولان آگاه به نتیجه نرسید و از مکانهای ما قبل تاریخی و گاه از یادمانهای اخیر، به دلیل مسائل مهم مالی یا نظایر آن حفاظت نشد. برای مثال، در سال ۱۳۶۷، هنگام حفر تونلهای مترو تهران در نقطه ای نامعلوم از شهر آثاری با ماهیت ناشناس پیدا شد، اما از ترس آنکه مبادا دخالت سازمان میراث فرهنگی ایران کارها را کند، این آثار را در دم از میان بردند.

به رغم ضعفها و بی لیاقتیهایی که ذکر شد<sup>۳</sup>، می توان گفت که زمینهای واقع در بین کوه توچال در شمال تهران و چشمه علی در ری باستان در اعصار ما قبل تاریخ نامسکون نبوده است؛ این سخن به دلایل باستان شناختی و شواهد توپوگرافیکی و اقلیمی متکی است.

در واقع، آبهایی که بر اثر ذوب برفهای قله توچال (به ارتفاع ۳۸۷۰ متر) جاری می شود و برف و بارانهایی که بر زمینهای بلند شمال شهر فرو می ریزد، به سوی جلگه پست تهران قدیم روان می شود. حوضه ای که به این ترتیب تشکیل می شود و نیز خاک مرطوب، نخستین اقوام کشاورز را که در جستجوی محلهای مناسب برای فعالیت هایشان بودند، هزاران سال پیش به سوی خود جلب کرد. این جماعت شکار را به تدریج رها کردند تا اسکان یابند و به کشاورزی بپردازند. کشفیات انجام شده در چشمه علی، دروس و به ویژه قیطره، واقع در شمال تهران قدیم از وجود جماعتی در این منطقه حکایت می کند. اولین جماعتی که در قیطره زندگی می کردند شبیه کسانی بودند که حدود هشت هزار سال پیش در چشمه علی به سر می بردند. بعد از آنها اقوام دیگری آمدند و همین منطقه

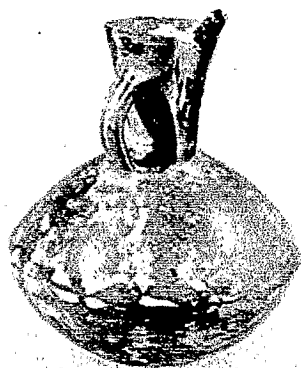
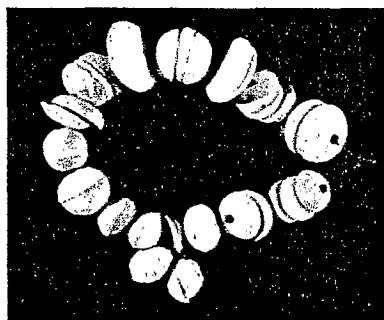


نمایی از روستای ساوجبلاغ در اطراف تهران

۶- برگرفته از عدل، شهریار، تهران پایتخت دویست ساله، مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران شناسی فرانسه، ۱۳۷۵.  
۷- اصطلاح «شهر بی خاطره» را امینه پاکروان به کار برده است: (Teheran de jadis, Geneve, Paris, Munich, 1971.P.8) این عبارت غالباً به غلط فهمیده می شود. امینه پاکروان نمی خواست بگوید تهران بدون گذشته است، بلکه مقصودش آن بوده که تهران شهری است که عصر حاضر بناها، معماری و شهرسازی را با آنچه در آنها بوده به نابودی کشانده است.

۸- علاوه بر تخریب مناطق متعلق به ما قبل تاریخ به صفحات بعد مراجعه کنید؛ در خصوص تخریب بناهای جدید کافی است انهدام حصار تهران در عهد رضاشاه یا تخریب اخیر بخشهای خصوصی (حرم) کاخ گلستان را در نظر آورید.





نمونه هایی از سفالینه های بدست آمده در تپه های قیطریه

و منطقه مجاور را در دروس اشغال کردند. این جماعات آریایی بودند و از پایان هزاره دوم قبل از میلاد مسیح به این نقطه کوچ کردند و برقلاتی که بعدها براساس نام آنها فلات ایران نام گرفت سکونت گزیدند.

### ● نخستین ساکنان، ساکنان چشمه علی

بنابراین، نخستین جماعات حدود هشت هزار سال پیش بر تپه‌ای واقع در کنار چشمه‌ای دائمی که در دوران اسلام به نام اولین امام شیعیان، چشمه‌علی نامیده شد، زندگی می‌کردند.

شهر رگها یا راگس (ری) که تقریباً در ۶ کیلومتری جنوب تهران قرار داشت در عهد باستان در پای این تپه به سمت جنوب گسترش یافته بود.

نخستین تمدن چشمه علی به ویژه در تولید سفالینه‌های سرخ، که با رنگ سیاه یا قهوه‌ای سیر تصاویری بر آنها نقش شده، پدیدار شد. تقریباً در همین دوران جمعات دیگری در طول همین رشته زمینهای قابل کشت که در پای البرز بین کویر و کوه واقع شده، اسکان یافتند. البته، استقرار در ری به مراتب بیش از دیگر جاها و به گونه‌ای پایدار توسعه یافت، زیرا این شهر از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار است. ری در مکانی قرار دارد که جاده‌هایی که شرق و غرب و شمال و جنوب ایران را به یکدیگر متصل می‌کنند ناگزیر از آن می‌گذرند. بنابراین، نحوه قرار گرفتن کوهها و کویر، وجود آب و نیز پهنه گسترده‌ای از زمینهای حاصلخیز موجب پیدایش شهر ری شدند و سرنوشت آن و سرنوشت فرزند آن، یعنی تهران آتی را رقم زدند. برگزیدن تهران به مثابه پایتخت از سوی آقامحمدخان در دویست سال پیش نیز بنا بر همین دلایل صورت گرفت.

### ● قیطریه و دروس در عهد نخستین آریاییها

احتمالاً از اوان هزاره ششم قبل از میلاد، جماعتی مشابه جماعات مستقر در چشمه علی در شمال شرقی تهران قدیم، در قیطریه مستقر شدند. ظاهراً چیزی از مسکن این جماعات بر جای نمانده است ولی براساس تکه‌سفالهایی که یافت شده حضورشان در آنجا مسلم گشته است. این سفالها مشابه سفالهای چشمه‌علی است، بسیار خوب پخته شده‌اند و رنگشان از قرمز متمایل به سیاه تا ارغوانی متفاوت است. نقوش هندسی و یا تصاویر ساده‌ای با رنگ سیاه بر آنها ترسیم شده است. قطعات مشابهی در اطراف تهران و ری، در قره تپه شهریار و تپه موشلان اسماعیل‌آباد در ساوجبلاغ نیز پیدا شده است.

با این همه، به استناد آنچه باقی مانده است قیطریه در اساس تقریباً پنج هزار سال بعد، در پایان هزاره دوم حدوداً بین ۱۲۰۰ تا ۸۰۰ ق.م. (عصر آهن) اشغال شده است. این بار نیز اثری از خانه‌های تازه واردان کشف نشده است؛ این خانه‌ها قاعدتاً در خارج از محدوده‌ای که مورد بررسی باستان‌شناسهای مامور کاوش بوده قرار داشته است. با این همه، بر اثر بررسیهای آنها گورستان وسیعی که به نظر می‌رسد در زمینی به وسعت ۱۵۰۰۰ مترمربع قرار داشته کشف شده است. در این گورستان، اجساد را با لباس در عمق کمی دفن می‌کرده‌اند، به نظر می‌رسد که دفن آنها به همراه مواد غذایی و اشیای خاص سفر به جهان آخرت از هیچ قاعده دقیقی تبعیت نمی‌کرد، جز آنکه صورت مردگان را به هنگام تدفین به سوی خورشید می‌چرخانده‌اند. ظروفی در اشکال گوناگون و ابزارری را که تعدادشان از ۵ تا ۲۰ تغییر می‌کرد در اطراف جسد، به ویژه بالای سر یا پایین پای آن قرار می‌داده‌اند؛ ظروف لوله‌دار، دکمه‌های تزئینی و سنجاقها، در نزدیکی سر و لگن و سه پایه و

ابزاری که بیشتر از جنس برنز بوده‌اند، نظیر تیغها و پیکانها در کنار پاهای قرار داشته است. در این قبور حتی آینه و دستبند نیز یافت شده است.

بیست و هفت سال پیش از آن، یعنی در ۱۳۲۱، کشفیات مشابهی در دروس، در فاصله کمی از قیطریه انجام شده بود. این مسئله که اشیا در چه شرایط و محیطی کشف شده‌اند، تقریباً بر ما نامعلوم است. با این همه، به یاری مقاله کوتاهی که منتشر شده است می‌دانیم که سفالینه‌ها، به هنگام انجام کارهای ساختمانی در شمال شرقی باغ مسکونی مهدقلی هدایت (حاج مخبرالسلطنه) به دست آمده‌اند. این باغ در ضلع جنوب شرقی چهارراه قنات، در محل تقاطع خیابانهای دولت و شیانی قرار داشته است. ده عدد از کوزه‌های سفالی به دست آمده در این خاکبرداریها از سوی حاج مخبرالسلطنه جمع‌آوری و به موزه ایران باستان تقدیم شده است. تمامی سفالینه‌های کشف شده، به استثنای یکی از آنها، به رنگ خاکستری تیره است و با سفالینه‌هایی که از مقابر قیطریه به دست آمده و به هزاره دوم تا اوایل هزاره اول قبل از میلاد تعلق دارند هم‌زمان است.

در خود تهران به معنای اخص کلمه اثری از قرون گذشته، حتی از دو هزار سال پیش به دست نیامده است.

### ۱-۱-۲- تهران، شکل‌گیری هویت

هنوز نمی‌دانیم که هسته این شهرچه وقت به وجود آمد و از چه دورانی تهران نام گرفت. زمانی به پیروی از "دو خویه" تصور می‌شد که می‌توان «تهران» را در واژه بزبان یا شکل‌های مختلف آن، که نخستین جغرافیدانهای عرب- ایرانی ذکرشان کرده‌اند، باز شناخت. این عقیده بعدها از سوی دو بزرگمرد ادب ایران، محمدقزوینی و عباس اقبال تأیید شد، اما این تفسیری نادرست است چرا که پس از توصیف محل قرار گرفتن بزبان، هیچ یک از نویسندگان قدیم آن را به صورت تران آوانویسی نکرده‌اند؛ نمی‌شود باور کرد که جغرافیدانهای عرب- ایرانی یا نسخه‌نویسان آثار آنان همگی اشتباه کرده باشند و یا اینکه به جای تران، همواره بزبان نوشته باشند. به عقیده یاقوت<sup>۹</sup> «بهزان» در شش فرسنگی ری ویرانه‌ای بیش نبوده حال آنکه «طهران» قصبه بزرگی بوده سبز و خرم در یک فرسنگی همین شهر.

در هیچ یک از منابع دوره قبل از اسلام ذکری از تهران نشده است؛ چنین می‌نماید که این نام برای نخستین بار در نسبت محمدبن حمادابوعبدالله حافظ تهرانی رازی که محدث بوده پدیدار شده است. هسته اولیه شهر حاضر و نام آن، دست کم از آغاز دوران اسلامی وجود داشته است. بدیهی است که هسته و نام ممکن است متعلق به خیلی قبل از این دوره بوده باشد و به زمانی که بر ما نامعلوم است برسد.

حال ببینیم نام پایتخت ایران را چگونه باید نوشت و معنای آن چیست؟ "یاقوت" نخستین نویسنده ای است که از تهران یاد کرده است، از این رو گفته هایش اهمیت دارد. به نظر می‌رسد، یاقوت - که در سال ۶۱۷ ق. در ری بوده- مسئله را تقریباً به طور قطع حل کرده باشد. او این نام را به عربی «طهران» نوشته و آن را ذیل حرف «طای حطی» طبقه‌بندی کرده است. با این همه، می‌گوید که این واژه ایرانی (عجمیه) است و اهالی بومی آن را «تهران» تلفظ می‌کنند، زیرا به عقیده او آنها حرف ط در گویش خود ندارند. بنابراین، در فارسی باید «تهران» نوشت و تلفظ کرد و «طهران» را برای عربی کلاسیک گذاشت.

۹- یاقوت، معجم البلدان، عجم به تصحیح F. Wustenfild، لاتنژیک، ۷۳-۱۸۶۶، ج. اول، ص ۷۹۹، درباره تهران.

و اما معنای واژه تهران همچنان نامعلوم مانده است. ریشه‌شناسی عامیانه ته‌ران- کسی که [افراد

یا حیوانات را [ می‌رانند، یا به پیش می‌رانند یا در اعماق (زیرزمین) خانه دارد- براساس معنای واژه بنا شده و این امر در نوشته‌های یاقوت و زکریای قزوینی که می‌گوید تهرانیها در خانه‌های زیرزمینی ماوا می‌گزینند، تایید شده است.

همچنین دو واژه تهران و شمیران را در مقابل هم گذاشته‌اند تا از سوی «مکان مسطح یا دشت» برای تهران و «مکانی که در آن برکه یا مخزن آب وجود دارد» برای شمر+ان. به دست آید، از یک سو «مکان گرم» برای تهران و از سوی دیگر مکان خنک یا سرد برای شمی+ران در این توضیحات آخر معنای پسوند «ان» که مکان و محل را نشان می‌دهد مسلم است، زیرا در این زمینه نمونه‌های بسیار وجود دارد؛ اما در مورد معانی پیشنهادی برای بخش اول این نامها چنین قطعیتی وجود ندارد.

### ۱-۱-۳- نخستین توصیفهای مربوط به تهران، باغ غارنشینیها

اگر محمد حافظ تهرانی رازی نخستین تهرانی شناخته شده بوده است، نخستین محصولی که در گفتگو درباره پایتخت آتی ایران به آن اشاره شده، انار است. این بلخی در فارسنامه خود که بین ۵۰۰ تا ۵۱۰ ه. نگاشته شده از انارهای تهران تعریف کرده و انار مرغوب را انار تهران دانسته است. خود تهران یک قرن بعد، یعنی به سال ۶۱۷ ق. از سوی یاقوت توصیف شد. درست قبل از حمله مغول، یاقوت در ری می‌زیسته است. یاقوت به استناد نوشته‌اش خود از تهران دیدن نکرده، بلکه حرفهای یکی از ساکنان ری را که مردی مورد اعتماد بوده نقل کرده است.

او می‌نویسد که تهران در فاصله یک فرسخی ری قرار دارد و قریه‌ای بزرگ است متشکل از دوازده محله، خانه‌های آن در زیرزمین در میان باغهای میوه و سبزیکاریها (بساتین)ی محصور و تو در تو ساخته شده است. این ترتیب و نیز محصور بودن باغها ورود به این مکان یا گردش در آن را برای کسی که رضایت اهالی محل را برای دخول به آن یا رفتن از محله‌ای به محله دیگر کسب نمی‌کرده، دشوار می‌کرده است. زکریا متذکر می‌شود که خانه تهرانیها شبیه سوراخ موش کور است. بنابراین، با کمی اغراق شبیه خانه‌های ری بوده‌اند که یاقوت توصیفشان کرده است. این ماواها زیرزمینی بودند و ورود به آنها تنها از طریق دهلیزهای تنگ و تاریک میسر بود که پیشروی در آنها بسیار دشوار بوده است. این شیوه خانه‌سازی به گفته نویسندگان یاد شده با الزامات دفاعی، چه در مقابل همسایه‌ها و چه بیگانگان، که به علت همین وضع نمی‌توانستند بر آنها مسلط شوند، همخوانی داشته است. به نظر می‌رسد که کریپورتر نیز به سال ۱۸۱۸ م. در تهران این خانه‌های زیرزمینی را مشاهده کرده است. جهانگرد انگلیسی می‌نویسد که در داخل شهر و به فاصله ۲۰۰ تا ۳۰۰ یاردی دروازه قزوین فضای وسیعی وجود دارد که در سطح آن حفره‌های وسیع و عمیقی یا بهتر بگوییم چاههایی به چشم می‌خورد که به خانه‌های زیرزمینی منتهی می‌شود. در برخی از آنها افراد فقیر سکنی داشته‌اند و بقیه اصطبل موقت چارپایان باربر بوده است. محلی که کریپورتر به آن اشاره می‌کند همان چال حصار امروزی است. ممکن است نام غار که در عصر مغول به منطقه تهران اطلاق می‌شده به دلیل خانه‌های زیرزمینی این خطه بوده باشد. این خانه‌های مسکونی که در میان مزارع، در زمینهای آبیاری شده حفر می‌شدند، بدون تردید مرطوب بودند و این یکی از دلایل ابتلای مردم تهران به انواع تبها بوده است که خصوصاً در فصل تابستان اتفاق می‌افتاد.

با همه این احوال، مسلم می‌نماید که همه خانه‌های تهران زیرزمینی نبوده‌اند. بدون تردید، بعضیها دست کم دارای ساختمانی مختصر در سطح زمین بوده‌اند، مثلاً اتاقی داشته‌اند که به تونلی ورودی راه داشته است. دیواری که دور باغها، جالیزها و خانه‌های زیرزمینی درون آنها می‌کشید موانعی

نسبتاً محکم بود و نقش دفاعی را در برابر دشمنان داخلی و خارجی ایفا می‌کرده است. البته، دست کم در میان بزرگان شهر کسانی که حتی اگر خانه «عادی» نداشت حداقل خانه‌ای داشته‌اند که بخشی از آن در سطح زمین بوده است. این خانه‌ها بدون شک دارای استحکامات بوده‌اند، زیرا شهر حصار نداشته است. از طریق نوشته‌های کلاویخو، سفیر پادشاه کاستیل و لئون (اسپانیا) در دربار تیمور لنگ، می‌دانیم که در تهران دست کم از نخستین‌های سالهای قرن نهم ق. اقامتگاهی وجود داشت که وقتی شاه از تهران می‌گذشت در آن اقامت می‌کرد. او می‌گوید این عمارت وسیع‌ترین اقامتگاه شهر بوده است، این گفته می‌رساند که در این دوره مسکن دیگری نیز وجود داشته است، البته مسلم است که از مدتی پیش از این در شهر - باغ تهران بناهایی بیرونی وجود داشته است. از قرن هفتم ق. تعداد آنها با گذشت زمان و پس از ویران شدن ری به سال ۶۱۷ ق. و افسول ورامین در قرن هشتم هجری ق. به یقین افزایش یافته است.

همان طور که دیدیم در زمینه کشاورزی، یاقوت و زکریا وجود باغ و بستان را در تهران تأیید کرده‌اند. آنها گفته‌اند که تهرانیها زمین را با بیل زیرورو می‌کردند و از گاو آهن استفاده نمی‌کردند، چهارپا هم نگه نمی‌داشتند که خیش را بکشند، زیرا به دلیل خصومت با یکدیگر می‌ترسیدند که همسایه‌ها دامهایشان را بدزدند یا حاکم آنها را به تملک خود درآورد.

میوه‌های تهران عالی بود، به ویژه انار آن هم‌تا نداشت.

این بررسیها این فکر را به ذهن متبادر می‌کند که تهران، غله تولید نمی‌کرد، چون گاوآهن نبود و کشت مزارع گندم یا جو نیز تنها به قوت بازو و به کمک بیل هر ساله ممکن نبود. بیل برای کشت صیفی و سبزیهای خوراکی مناسب است. بعید نیست که سبزه میدان که تا دوران زندیه در آن انواع سبزیها کشت می‌شد یکی از همین مزارع محصوری باشد که از قرن هفتم هجری وجود داشته است. سبزه میدان در حال حاضر در مدخل شمالی بازار واقع است. بساتین محصور هم باغهایی بوده‌اند که در آنها درختان میوه از جمله انار مشهور تهران را پرورش می‌داده‌اند و هم فضاهایی بوده‌اند پوشیده از درختان چنار و دیگر انواع درختان که برای تولید چوب ساختمان سازی و تهیه هیزم غرس می‌شد. از آنجا که تهرانیها از ترس به سرقت رفتن، از نگهداری دام، اعم از بزرگ و کوچک خودداری می‌کرد، تیاله یا پهن برای پخت غذا یا گرم کردن خانه در زمستانهای سخت این منطقه نداشتند و این کمبود نمی‌توانست جز با استفاده از هیزم جبران شود.

«شهرسازی» خاص تهران که از آرایش باغهای محصور و ترتیب خانه‌های زیرزمینی با دهلیزهای متعدد («لانه موش کور») ناشی می‌شد، علت اصلی بی حصار بودن شهر را به دست می‌دهد. اگر می‌بینیم که این قرارگاه انسانی قرن‌ها و تا سال ۹۶۱ ق. که شاه طهماسب نخستین حصار و بازار آن را ساخت، بی‌برج و بارو بوده، به این سبب است که نیازی به آن نداشته، زیرا تسخیرناپذیر بوده است. نوع شهرسازی آن (یا بهتر است بگوییم شهرنبودن آن) از طراحی نامتعارف تبعیت می‌کرد که نه تنها دسترسی به آن را برای دشمنان خارجی غیرممکن می‌ساخت، بلکه برای ساکنان هر محله، حتی هر خانه، امکان دفاع در برابر همسایگان را نیز پدید می‌آورد. پس، چرا کار سرانجام به برپاداشتن حصار کشید؟ دلیل آن چه بود؟ آیا باید پاسخ را در تغییر تدریجی شیوه خانه‌سازی که مدتی بود آغاز شده بود و به ایجاد خانه‌هایی در روی زمین منجر شده بود که به «حمایت» و «مراقبت» قدرت حاکم نیاز داشتند، جستجو کرد یا در تمایل به احداث شهری عادی با تشویق ساخت و ساز چنین خانه‌هایی از طریق ایجاد امنیت در سایه یک حصار. به نظر می‌رسد دلیل اول قابل قبول‌تر است. با ویران شدن ری به هنگام حمله مغول به سال ۶۱۷ ق. و اضمحلال آن طی دوران ایلخانان و تیموریان که با سرکوب قیام ورامین در قرن هشتم ق. قرین بود، تهران ناگزیر جمعیت روزافزونی را که همگی دارای ذوق و سلیقه بومیان غارنشین نبودند، پذیرا شد.



ژول لورنس، سبزه میدان، تهران، (کتاب سفر در ترکیه و ایران، نوشته گزایوه هومردوئل ۱۸۹۵م).